

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۱ (پیاپی ۱۸) بهار ۸۶

## بررسی تحلیلی و تاریخی فعل های پیشوندی

در زبان فارسی\* (علمی - پژوهشی)

دکتر حمید طاهری

استادیار زبان و ادب فارسی دانشگاه رازی

### چکیده

یکی از انواع فعل های زبان فارسی، فعل های پیشوندی هستند. این نوع افعال از دوره باستان تا به امروز در زبان فارسی رایج بوده اند، اما بسامد آنها در زبان، به ویژه در زبان فارسی دری، رو به کاهش بوده است. پیشوند این افعال، که عنصر غیر فعلی گروه فعلی را تشکیل می دهد، عمدتاً مفهوم جهت، سمت و جهت حرکت را نشان می دهد و گاهی نیز تقویت معنا و تاکید وقوع فعل را می رساند و گاهی نیز در افزایش یا ایجاد معنای جدید در گروه فعلی، ایفای نقش می کند. پیشوند در این دسته از افعال، در مسیر تحول و تطور، جای خود را به قید یا متمم یا عنصر غیر فعلی اسم و صفت در جمله داده است.

**واژگان کلیدی:** پیشوند، پیشوندی، فعل، قید، جهت، حرکت، تأکید، تقویت،

تکوین، درسی

\* تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۵/۱۲/۱۲

\* تاریخ دریافت مقاله: ۸۵/۲/۲۵

## مقدمه

فعل پیشوندی، فعلی است که عنصر غیرفعلی آن «پیشوند» است. فعل های پیشوندی یکی از انواع مهم و رایج فعل در زبان فارسی دری بخصوص زبان دوره تکوین (قرن چهارم تا هفتم) بوده اند، نسبت پیشوند با فعل ساده، نسبت قید به فعل است، زیرا پیشوندها عمدتاً مفهوم و جایگاه و کارکرد قید یا متمم را برای فعل ساده دارند.

باگذر زمان و مرور ایام، از رواج و کارایی این فعل ها کاسته شده و فعل ساده یا مرکب، (فعلی که عنصر غیر فعلی آن اسم یا صفت است) جانشین این فعل ها می شود. بانسبت و رابطه ای که پیشوند فعلی باقید یا متمم (گروه حرف اضافه) دارد، شمار زیادی از پیشوند ها تبدیل به یک گروه اسمی یا گروه قیدی مستقل در جمله می شوند. و آن دسته از پیشوندها، که معنا و مفهوم تازه ای به فعل ساده در الحاق به گروه فعلی می بخشیدند، تبدیل به اسم یا صفت و حتی گروه حرف اضافه می شود و به گروه فعلی ملحق و فعل مرکب یا عبارت فعلی می سازد. این پیشوندها و فعل ها از دوره های اولیه تکوین زبان فارسی به این سو، سیری رو به کاهش داشته اند.

در زبان های ایرانی دوره باستان، همچون اوستایی و فارسی باستان و دوره میانه، مانند زبان پهلوی و پهلوانیک، فعل پیشوندی رواج و کارایی شایسته ای داشته است. بسیاری از پیشوندهای فعل دوره باستان، به فارسی میانه و دری منتقل شده اند و بسیاری نیز متروک و مرده اند. پیشوندهای فعل در زبان فارسی دری متعدد بوده اند؛ برخی صورت آوایی باستان و میانه ی خود را حفظ کرده و تعدادی تحول آوایی پیدا کرده اند. این پیشوندها و فعل ها از دوره های اولیه تکوین زبان فارسی به این سو، سیری رو به کاهش داشته اند.

در تحلیل این گونه فعل در زبان فارسی کوشیده‌ایم جایگاه پیشوند را در گروه فعلی بررسی کنیم و ضمن بر شمردن و معرفی عمده پیشوندهای فعلی، تطور و تحول پیشوند و فعل‌های پیشوندی را تا حدودی بیان نماییم.

در این مقاله ازدو موضوع اصلی بحث شده است: یکی نسبت و پیوند پیشوند با فعل و کارکرد آن در گروه فعلی و این موضوع زمینه ساز ورود به بحث دوم است. دیگر این که فعل‌های پیشوندی در جریان حیات خود، حرکتی رو به کاهش داشته و متحول شده‌اند. در بحث دوم سعی گردیده تا چگونگی این تحول نموده شود. کارکرد پیشوند در گروه فعلی: پیشوند برای هدف و قصدی به فعل می‌پیوندد. در تحقیقاتی که نسبت به چند و چون پیشوندهای فعلی شده است، پیشوند سه عمل مهم با فعل ساده هنگام پیوست به آن انجام می‌دهد:

۱- حکم قید را برای فعل دارد و معنای جهت، سمت و جهت حرکت فعل را می‌نماید و بیانگر مفاهیمی چون: بالا، پایین، پیش، پس و حرکت به بالا، پایین، پیش، پس و ... است. این کارکرد پیشوند در پیوند با فعل، بیشترین بسامد را دارد. در عبارات زیر این کارکرد بارز است:

- «و به پنج دیه مروالرود فرود آمدم» (سفرنامه ناصر خسرو / ص ۱)
- «و مردم پوست گاو ببرند و پر نوشادر کنند و از سر کوه بغلطانند که به راه نتوان فرود آوردن» (سفرنامه ناصر خسرو / ص ۵)
- «تا کنار رودخانه که از آن جا آب برآورند و به قلعه برند» (سفرنامه ناصر خسرو / ص ۷)
- «و دو دست برآور» (مرصاد العباد / ص ۱۶۸)
- «هر روز حاجب علی برنشستی و به صحرا آمدی» (تاریخ بیهقی / ص ۴)
- «پدرم ما را بر گرفت، ما دست بریازیدیم و آن قرص از آن طاق فرو گرفتیم.» (اسرارالتوحید / ص ۱۷)

در شواهد یاد شده پیشوندهای فرود، بر و فرو جهت فعل و یا جهت حرکت آن را نشان می‌دهند. و در حکم قید یا متمم فعل هستند. برای سوار شدن بر اسب باید پا بر رکاب نهاد، بالا رفت و سوار شد. سمت و سوی غلتیدن از کوه به پایین است. هنگام کشیدن آب از چاه یا رود ظرف آب را از پایین به بالا می‌کشند و برای برداشتن نان از طاقچه دست را به بالا دراز می‌کنند - آن گاه که طاقچه بلندتر از قامت دست یازنده است - بنابراین در تمام عبارات آمده، کارکرد پیشوند، کارکرد قیدی است. پیشوندهای فعلی فرود، فرا، فراز، بر، در، بیرون، باز، اندر، در، وا و ... کارکرد قیدی دارند.

این کارکرد پیشوند در زبان‌های اوستایی، فارسی باستان، پهلوی و پهلوانیک نیز به چشم می‌خورد. در عبارت زیر از اوستا، پیشوند "باز" در مفهوم «پیوسته» حکم قید را برای فعل «خواهد ستود» دارد:

*buyātahmi namāne...nā...yōnō bāḍa frāyazaite*

(یشت ۳ / بند ۵۲، به نقل از دستور تاریخی محسن ابوالقاسمی / ص ۱۹۳)

باد در این خانه مردی که ما را پیوسته خواهد ستود

در عبارت زیر از فارسی میانه ترفانی، پیشوند (ul = بر) جهت و سمت

فعل (*ahrāft hēnd* = برخاستن) را نشان می‌دهد:

*mīhr yazd ud...ul ō wahistaw ahrāfthēnd*

(دستور تاریخی، محسن ابوالقاسمی / ص ۱۹۳)

ایزد مهر و ... به سوی بهشت برخاستند

در عبارت زیر از پهلوی اشکانی ترفانی، پیشوند «فراز» جهت فعل و حرکت

آن را بیان می‌کند:

*āsāh tu gyān ud frāz cāmāh* (همان، ص ۱۹۳)

بیا تو ای دل و فراز چم

۲- کارکرد دوم پیشوند در گروه فعلی تقویت معنای فعل و ایجاد تاکید در آن است. این کارکرد نیز غیر از کارکرد قیدی نیست. اگر این پیشوندها از گروه فعلی حذف شوند، قیدهای تأکید جای آنها را به صورت یک گروه اسمی مستقل خواهند گرفت. قیدهایی از قبیل: البته، باید، می‌باید، حتماً، قطعاً، بی‌شک، واقعاً، بی‌چون و چرا و ...

شایان ذکر است که عمده عملکرد قید در جمله، متوجه فعل است. قید بیانگر این معناست که فعل کی، کجا، چرا، چگونه، چه قدر و ... به وقوع پیوسته است. پیوند پیشوند با فعل نیز می‌تواند از این مقوله باشد.

در شواهد زیر پیشوند فقط ایجاد تأکید کرده است:

- «گفت: بگذار تا تو را مغمزه بکنم و حکایتی است، بر گویم» (اسرارالتوحید، ص ۷۲)
- «تا نفس قلاش صفت را به رسن درد بر بندند» (مرصاد العباد، ص ۲۰۶)
- «بر کاغذی نوشتم باوی دهم که: این شعر بر خوان» (سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱)
- «و عوام از پس او اندر تاخت» (تاریخ بلعمی، ص ۱۹۱)
- «جام زربفت در پوشید و عصابه با گوهر بر بست» (تاریخ بلعمی، ص ۱۹۲)
- «و دور روزگار دردی درد در داده» (نفثه المصدور، ص ۵)
- «درخواست او را در پذیرفت» (سیاست‌نامه، ص ۲۲۴)

۳- سومین کارکرد پیشوند در گروه فعلی، ایجاد معنا و مفهومی تازه در فعل است. این عملکرد پیشوند نسبت به کارکرد دیگر، از بسامد کمتری برخوردار است. بخصوص در زبان عصر تکوین. آن جا که پیشوند مفهومی تازه به فعل می‌بخشد نیز اثر کم رنگی از کارکرد قیدی آن به چشم می‌خورد:

- «دنیا تمام به دست نیامده از آخرت بر آمده» (مرصاد العباد، ص ۳۸۸).
- «تا مرتبه‌ی اعزاز و اکرام تو باز بینم» (مرصاد العباد، ص ۹۴).
- «هر چند که احمد نیالتگین بر افتاد» (تاریخ بلعمی، ص ۶۶۹)

• «سی سال است با یک کلمه می‌آویزم ... هنوز باوی بر نیامده‌ام.» (اسرارالتوحید، ص ۲۶۷).

• «او را از ملک باز کنید» (تاریخ بلعمی، ص ۱۸۵).

• «از آن جا بازدارید و به حق و سزا صرف کنید» (تاریخ بلعمی، ص ۱۶۱).

نکته مهمی که از مطالب و شواهد ذکر شده به دست می‌آید، این است که ارتباط معنایی دقیق و ظریفی بین پیشوندهای فعلی و قید و متمم (حرف اضافه به همراه اسم) وجود دارد. تطور و تحول فعل‌های پیشوندی در زبان فارسی از عصر تکوین زبان فارسی دری تا امروز این نظر را اثبات می‌کند. تفصیل این مهم آن است که شمار و بسامد فعل‌های پیشوندی در زبان فارسی دوره تکوین، به مراتب بیشتر از دوره درسی و معاصر است. در رهگذر تطور زبان فارسی در طی حیات، فعل‌های پیشوندی چنین دگرگون می‌شوند: پیشوندهای فعلی در معنای قید، جای خود را به گروه قیدی مستقل (خارج از گروه فعلی) یا متمم می‌بخشند و پیشوندهای بیانگر تأکید و تقویت مفهوم فعل نیز به قید یا متمم تبدیل شده‌اند و پیشوندهای معناساز که هنگام پیوند با فعل ساده، مفهوم تازه‌ای به فعل می‌بخشند، عمدتاً تبدیل به گروه فعلی با عنصر غیر فعلی اسم یا صفت (فعل مرکب) گردیده‌اند. در زبان‌های دوره باستان نیز پیشوندهای فعل، کاملاً از حروف اضافه، تفکیک نشده، قابل تشخیص نبوده‌اند و می‌شود هم از آن‌ها به پیشوند تعبیر کرد و هم به حرف اضافه. مثلاً در جمله:

*asamanom avi frašusāni zam avi niurvisyāni*

(یشت ۱۷/بند ۵۷، به نقل از زبان اوستایی)

به آسمان‌ها بروم یا به زمین بازگردم.

از *asamanavi* و *zam avi* به عنوان ساخت حرف اضافه برای «به سوی آسمان» و «به سوی زمین» می‌توان تعبیر کرد و از سوی دیگر می‌توان *avi* را به عنوان

پیشوند به فعل نسبت داد؛ یعنی به *frā - sūsa* و معنی کرد: روی آوردن به زمین و آسمان.

### تحول و دگرگونی فعل های پیشوندی

یکی از مهمترین دلایل تحول و تطور مقوله های زبان، مخصوصاً معنا، تحولات اجتماعی است. پیشوند نیز از این عامل و علت تحول و تطور بر کنار نمانده است. بدین معنی که محدود بودن شمار پیشوندهای فعلی - که از طبقات بسته زبان هستند- و تحولات گسترده اجتماعی سبب از رونق و رواج افتادن پیشوندهای فعلی و فعل های پیشوندی است. محدودیت شمار پیشوندهای فعلی، آن ها را از حرکت همزمان و هم عنان تحولات اجتماعی در دلالت بر معانی نو و تازه باز می دارد. این روند در حوزه کلمات نیز صادق است. در تطور زبان فارسی، بسامد کلمات مشتق رو به کاستی است. در عوض بسامد کلمات مرکب رو به افزایش است. از آن جا که وندها نیز از طبقه بسته زبانند و شمار آنها اندک و محدود است، کلمات مشتق که از یک تکواژ قاموسی به عنوان پایه و یک وند ساخته می شوند، رو به کاهش اند. وندها جوابگوی تحولات سریع اجتماع و بیان معانی و مفاهیم متعدد تازه نیستند. نا گفته نماند که اندیشه و نگاه انسان امروزی نیز به ترکیب و پیچیدگی تمایل دارد. این امر سبب شده است که شمار کلمات مرکب و عبارت در زبان فارسی رو به افزونی و بسامد واژه های مشتق رو به کاستی باشد.

بسامد فعل های پیشوندی در زبان فارسی دوره تکوین و در آثار مهم این دوره، چون سفرنامه ناصر خسرو، تاریخ بیهقی، تاریخ بلعمی و اسرارالتوحید به مراتب بیشتر از آثار زبان دوره درسی و تحول است. این کاهش در پیدایش یک مختصه سبکی بسیار مهم عصر درسی (نثر فنی و مصنوع) نقش بسیار در خور دارد. در متون عصر تکوین، جمله ها کوتاهتر از جمله های دوره درسی هستند و این

مختصه با کاهش پیشوندهای فعلی رابطه مستقیم دارد. وقتی پیشوندهای فعلی در گروه فعلی، حکم قید یا متمم را دارند، با کاهش این افعال گروه‌های اسمی و قیدی در جمله جانشین پیشوند می‌شوند و این امر سبب طولانی شدن محور هم‌نشینی جملات می‌گردد. به تعبیری دیگر، گروه‌های اسمی یا قیدی تازه‌ای با مفاهیمی چون جهت، سمت و سوی حرکت و تأکید (مفهوم پیشوندهای فعل) در جمله پدید می‌آیند. کاهش پیشوند فعل، سبب افزایش گروه‌های قیدی در جمله می‌گردد و این جایگزینی، محور هم‌نشینی جمله را نیز به تطویل سوق می‌دهد.

برای مثال اگر از جمله «حاجب علی هر روز برنشستی و به صحرا آمدی» پیشوند فعلی «بر» حذف شود، ناچار یک گروه اسمی در جایگاه متمم به جمله اضافه می‌شود و جمله به این صورت طولانی می‌شود: «حاجب علی قریب هر روز بر اسب نشستی و به صحرا آمدی». در نتیجه یک گروه بر اجزا و گروه‌های جمله‌ی اول با حذف پیشوند، افزوده می‌شود.

به نظر نگارنده پیشوند فعلی و برخی گروه‌های قیدی و متممی و عنصر غیر فعلی در فعل مرکب، گاهی کاربرد واحدی دارند و می‌توانند جایگزین هم شوند و این جایگزینی چنان که در مقوله تحول زبان، ذکر شد، اتفاق می‌افتد. آن جا که پیشوند مفهوم جهت و حرکت را نشان می‌دهد با قید یکسان است و زمانی که برای تقویت معنای فعل و تأکید وقوع فعل به کار می‌رود با متمم و قید یکی است و آن گاه که مفهوم و معنایی تازه به فعل ساده می‌بخشد، با عنصر غیر فعلی (اسم / صفت) در فعل مرکب یکی می‌شود. تحول زبان از دوره تکوین به دوره درسی سبب کاهش پیشوند و افزایش گروه‌های قیدی، متممی و فعل مرکب است.

نکته دیگر شایسته ذکر در تطور فعل‌های پیشوندی آن است، که برخی از پیشوندهای فعلی که در دوره‌های باستان و میانه دارای معنا بوده‌اند و تکواژ پُر



محسوب می‌شده‌اند، با گذشت ایام، دلالت معنایی آن‌ها ضعیف گشته و تبدیل به تکواژ تهی‌یابی بی‌معنی شده‌اند. از این گونه‌اند: «اندر» و «در». پیشوند در با صورت کهتر خود (اندر) به معنی درون و داخل چیزی بوده است و بعد تبدیل به حرف اضافه شده است. پیشوند (بر) نیز که به معنای استعلاست عمدتاً جهت حرکت فعل را نشان می‌دهد و به مرور تبدیل به حرف اضافه شده است. برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که تعدادی از پیشوندهای فعل با حرف اضافه مشترک هستند در حالی که بهتر است آنها را مشترک نخوانیم بلکه یکی بدانیم با این توضیح و توجیه که از تکواژ پر به تهی تبدیل شده‌اند.

در تطوّر حروف نیز چنین تحولی را شاهدیم. بسیاری از حروف اضافه که کاربردهای متنوع و متعدد داشته‌اند، با گذر زمان کاربردهای متعدد خود را از دست داده‌اند و تنها یک کاربرد را حفظ کرده‌اند و در عوض، برخی از تکواژهای پُر جایگزین آن‌ها شده‌اند و در این جایگزینی تکواژهای معنادار، معنی خود را از دست داده‌اند. تکواژهای: وسیله، سبب، جهت، ظاهر، واسطه که همگی معنادار بوده‌اند، با جایگزینی معنای خود را از دست داده و تهی شده‌اند و حتی دلالت آن‌ها در دوره‌های بعد با یک حرف اضافه ساده تقویت شده است و تبدیل شده‌اند به: به واسطه، به وسیله، به خاطر، به جهت و ...

عنصر صرفی «همی» نیز که در آغاز دوره تکوین، تکواژ پُر بوده و مفهوم قیدی همیشه و پیوسته را داشته است، به مرور در دوره تکوین تبدیل به تکواژ تهی شده و با پیوستن به فعل ماضی استمراری، معنای همیشه را به فعل ماضی استمراری افزوده است. این تکواژ امروزه در زبان تاتی در مفهوم پُر خود به کار می‌رود مثلاً در جمله «همی میشو» یعنی همیشه می‌رود. و در جمله «همی مزنه» یعنی همیشه می‌زند.

نکته در خور دیگر در خصوص پیشوندهای فعل آن است که پیشوندهای فعلی، در حکم قید به قید یا متممی در جمله ارجاع می‌شوند. متمم یا قید این پیشوندها گاهی حذف می‌گردد و گاهی ذکر می‌شود. قیدها و متمم‌ها با نسبت و رابطه‌ای که می‌توانند با نهاد و مفعول داشته باشند و همچنین با تصریح و عدم تصریحشان در جمله، حذف یا ذکر می‌شوند. برخی از پیشوندهای فعلی با یکی از اجزای جمله، رابطه مستقیم و انحصاری دارند و همین انحصار سبب حذف متمم یا قید مورد ارجاع آنها می‌شود. از سوی دیگر اجتماع و تحولات اقتصادی و اجتماعی در این انحصار و ارتباط، نقش بسزا دارند. مثلاً اگر وسیله نقلیه دوره تکوین اسب یا شتر است، پیشوند «بر» در گروه فعلی، گوینده یا نویسنده را از ذکر متمم «اسب» یا «شتر» بی‌نیاز می‌کند. در جمله «برنشست» متمم به دلیل وضوح و رابطه انحصاری با فعل «نشست» حذف شده است و ژرف ساخت جمله این است: بر اسب نشست.

در جمله «چون شب درآمد، شیخ سرباز نهاد» (اسرارالتوحید، ص ۱۰۷). متمم و قید در آمدن شب به خاطر وضوح و ارتباط انحصاری با نهاد شب، حذف شده است. اما در جمله «لقمان را دیدم کی از بالای خانقاه در پرید» (اسرارالتوحید، ص ۲۸). این انحصار وجود ندارد و متمم یا قید «از بالای خانقاه» ذکر شده است. در جمله «حسن مودب درآمد» (اسرارالتوحید، ص ۱۸۴). قید یا متمم فعل حذف شده است زیرا بارز و آشکار است و ارتباط انحصاری و ویژه با فعل دارد. یعنی وارد خانه شد. لذا وقتی که انحصار و وضوح در جمله وجود ندارد، قید یا متممی که پیشوند به آن ارجاع می‌شود، ذکر می‌گردد. از این منظر جمله‌های زیر در خور توجه‌اند:

- «شتافت و به سرکوه برشد» (تاریخ بلعمی، ص ۲۰۱).
- «و او را برنشاند و هر سه رفتند». (همان، ص ۱۹۸).
- «و تبرزینی فرود آویخته». (همان، ص ۱۶۱).

- «پرویز فرود آمد» (همان ، ص ۱۹۹).
  - «به خواب دید چنان که کسی از آسمان فرود آمدی». (همان ص ۸۸).
- تناسب و رابطه‌ای انحصاری بین برخاستن و متمم «از زمین» یا «از خواب» وجود دارد به همین دلیل پیشوند «بر» نشان دهنده این دو متمم است. متمم یا قید جمله های زیر به دلیل همین انحصار حذف شده است:
- «پاره‌ای در پیش برفتمی و بختمی .... پس برخاستمی». (اسرارالتوحید ، ص ۷۲).
  - «چون با خویش آمدم برخاستم». (همان ، ص ۷۶).
  - «جماعت صوفیان برخاستند». (همان ، ص ۱۸۴).
  - «حالی برخاست و بر اسب نشست». (همان ، ص ۷۲).
- ذکر فراوانی و توزیع نوع فعل در التفهیم ، تاریخ بیهقی ، سفرنامه ناصر خسرو و مرصاد العباد که از متون دوره تکوین و درسی هستند، بسیار قابل توجه و مهم است: در بررسی ۲۰ صفحه از کتاب «التفهیم» ابوریحان بیرونی که یک متن علمی و متعلق به دوره تکوین زبان فارسی است، ۳۵۰ فعل به دست آمده است - با ذکر این نکته که در این کتاب تصویر و پاورقی نیز سهمی در میزان حجم مطالب دارد - از این تعداد فقط ۲۰ فعل پیشوندی است و مابقی ساده و مرکبند. از این ۲۰ فعل پیشوندی، ۷ فعل دارای پیشوند «بر»، ۵ فعل، پیشوند «باز»، ۴ فعل، پیشوند «بیرون» و ۳ فعل دارای پیشوند «فرو» هستند. نکته قابل توجه، این که تمامی پیشوندهای فعل در مفهوم قید به کار رفته‌اند و بیانگر سمت و سو و جهت حرکت فعل هستند.
- در بررسی ۱۰ صفحه از کتاب تاریخ بیهقی که از متون تاریخی و ادبی دوره تکوین است ، ۵۹۹ فعل به دست آمده است. از این تعداد ۵۳۱ فعل ساده، ۲۸ فعل پیشوندی و مابقی مرکبند. از تعداد کل فعل‌های پیشوندی، ۲۱ پیشوند بیانگر مفهوم جهت و حرکت به سوی جهات مختلفند. ۳ پیشوند در تأکید و تقویت معنای فعل به کار رفته اند و ۹ پیشوند در ایجاد معنا و مفهوم تازه سهم داشته‌اند.

درصد فعل های پیشوندی از فعل های مرکب در تاریخ بیهقی نسبت کمتری دارد و این شایسته توجه است. از سویی نسبت فعل های ده صفحه از این کتاب تقریباً دو برابر شمار فعل های ۲۰ صفحه از کتاب «التفهیم» بیرونی است. این تعداد فعل به متن تاریخ بیهقی، پویایی، تحرک و تنوع خاص بخشیده است. هر چه تعداد بیشتری فعل در متن به صورت هنرمندانه به کار رفته باشد، پویایی و حرکت متن بیشتر خواهد شد. به نظر نگارنده، می توان فقط از منظر فعل به این کتاب نگاهی دقیق و توأم با تأمل داشت و نتایج قابل توجه به دست داد.

همچنین در بررسی ۱۰ صفحه از سفرنامه ناصر خسرو، ۳۲۹ فعل به کار رفته است، از این تعداد، ۲۸۴ فعل ساده و ۲۸ فعل پیشوندی و ۱۹ فعل مرکب است. از تعداد کل فعل های پیشوندی، ۸ فعل دارای پیشوند «بر»، ۵ فعل پیشوند «باز»، ۴ فعل پیشوند «در»، ۳ فعل پیشوند «فرو» و ۲ فعل از پیشوند «فرو» ساخته شده است. دقت در نوع پیشوندها نشان می دهد که پیشوندها بیان کننده مفاهیم قیدی و در حکم قید فعل می باشند.

اما در بررسی صفحاتی از کتاب «مرصاد العباد» نجم الدین رازی، که از متون فنی دوره درسی است، نتایج زیر به دست آمد:

در ۴۰ صفحه از این کتاب ۴۹۵ فعل شمرده شد. ۵۲٪ از افعال، ساده، ۴۰ درصد مرکب و ۱۱ درصد پیشوندی هستند. از ۵۶ فعل پیشوندی، پیشوندهای حدود ۳۹ فعل، مفهوم و معنای قیدی دارند و بیانگر جهت و حرکت به سوی یکی از جهات می باشند. هفت فعل ایجاد تأکید در فعل کرده و تقویت معنای آن را به عهده داشته اند.

از میان فعل های پیشوندی، بیشترین بسامد متعلق به پیشوند «بر» است با ۲۵ بار تکرار. پس از آن متعلق به پیشوند «باز» است با ۱۳ بار تکرار، بعد به پیشوند

«فرو» اختصاص دارد با ۹ بار تکرار. سپس پیشوند «در» با ۸ بار تکرار و پیشوند «اندر» که صورت آوایی قدیمتر «در» است با یک بار کاربرد، از کمترین بسامد برخوردار است.

از آمار و ارقام فوق و توزیع و فراوانی فعل‌های ساده، پیشوندی و مرکب می‌توان این نظر را اثبات کرد که تعداد فعل‌های پیشوندی در دوره درسی رو به کاهش است و در عوض شمار فعل‌های مرکب رو به افزایش. همچنین این نظر را نیز می‌توان اثبات کرد که جملات دوره درسی به تطویل گرایش دارند زیرا در بررسی ۴۰ صفحه از متن مرصاد العباد، فقط ۴۹۵ فعل به دست آمده اما در بررسی ده صفحه از تاریخ بیهقی، ۵۹۹ فعل و در سفرنامه‌ی ناصر خسرو، ۳۲۹ فعل در ده صفحه از متن به دست آمده است.

حال، پیشوندهای فعل پرکاربرد زبان فارسی را از دوره‌ی تکوین زبان دری تا به امروز معرفی می‌کنیم. در این معرفی چند هدف در نظر است: میزان زیایی و وسعت حوزه هر پیشوند فعلی مشخص می‌شود؛ شواهد ذکر شده، کارکردهای سه‌گانه هر پیشوندی را می‌نماید؛ و سیر تطور و تحول پیشوندهای فعلی با ذکر توضیح و ارائه شواهد، روشن می‌گردد:

**اندر:** این پیشوند در فارسی باستان با (t) هند و اروپایی به صورت *antar* به معنی داخل چیزی بوده و در پهلوی و فارسی دری به صورت *اندر*، پیشوند فعل شده است. صورت مخفف آن «در» است که در کنار صورت کهن به کاری می‌رفته است. در ذخیره خوارزمشاهی هر دو صورت در کنار هم به کار رفته‌اند و این نشان سیر تحول آوایی یعنی اسقاط *an* در آغاز این پیشوند است. و عمدتاً تبدیل به حرف اضافه یعنی صورت تهی آن شده است. «در» امروزه نیز از پیشوندهای زنده و رایج زبان فارسی است.

از این پیشوند، فعل های : اندر یافتن / اندر ماندن / اندر تاختن / اندر آمدن / اندر گرفتن ساخته شده اند.

- «بدان حجره اندر بروند مرا.» تاریخ سیستان / ص ۶۵
- «چون پیش با یزید اندر آمدند.» تذکره الاولیا / ص ۵۸
- «مردمان غافل اندر گرفتند.» تاریخ بلعمی / ص ۱۹۵
- «تا هر که اندر وی نگرد زود اندر یابد.» تاریخ بلعمی / ص ۲۲

این پیشوند فعلی هم در معنی جهت و سمت و سو، هم در معنی تأکید و هم در افزودن معنای نو و جدید به فعل ساده کارایی بسیار دارد.

- «ولیکن خود اندر مانم و کشته شوم.» بلعمی / ص ۱۹۲
- «نیرویی به تن کسری اندر آمد.» بلعمی / ص ۱ و ۲
- «و روز سه دیگر بهرام را اندر یافت.» بلعمی / ص ۲۰۲
- «و بهرام در پس او اندر تاخت.» بلعمی / ص ۱۹۰

در تاریخ بلعمی پیشوند «اندر» تماماً به صورت کهن خود به کار رفته اما در متون دوره متأخر، به صورت «در» به کار رفته است. مثلاً در اسرار التوحید همه جا به صورت «در» به کار رفته است. در مرصاد العباد نیز که از آثار دوره درسی است همه جا به صورت «در» به کار رفته است.

- «گفتم من نیز در روم تا چه می گوید.» اسرارالتوحید / ص ۷۶
- «به زاویه‌ی بلال حبشی در شد.» اسرارالتوحید / ص ۱۰۷
- «آب از سر من درگذشت.» اسرارالتوحید / ص ۱۸۴
- «چون مدد لطف درآید.» مرصاد / ص ۳۹۸
- «باید که لاابالی وار خود را در اندازند.» مرصاد / ص ۲۰۶
- «و بدان یک چشم اعورانه در می‌نگریست.» مرصاد / ص ۷۵
- «در خواست او را در پذیرفت.» سیاست‌نامه / ص ۲۴۴

این پیشوند، به فعل‌های درافتادن، درماندن، درگرفتن، دریافتن، درگذشتن (مردن) معنای تازه‌ای بخشیده است. در پیوستن به فعل‌های درنوردیدن، در آکندن، درآویختن، درآمیختن، درگذشتن (از خطای کسی) و درآوردن (به حرکت) معنای فعل ساده را تقویت کرده و به آن تأکید بخشیده است. از این پیشوند فعل‌های زیر ساخته شده است:

درآمدن، دریافتن، درنگریستن، درماندن، درآویختن، درآمیختن، در پریدن، در رفتن، درشدن، در رسیدن، درخواستن، در سپوختن، در پوشیدن، درگذشتن، در انداختن، در پذیرفتن، در شدن و ...

**باز:** پیشوند باز با صورت کهن (آباز) از دیگر پیشوندهای زنده و پرکاربرد زبان فارسی است که از دوره تکوین تا به امروز زنده و کاراست. به معنی در عقب و به سوی عقب است امروزه در معانی در جهت عکس و مخالف و مجدداً و از نو به کار می‌رود و در پیوستن به برخی از افعال، فعل و معنای جدید ساخته است. این پیشوند در دوره باستان به معنی «پیوسته» به کار می‌رفته و قید زمان بوده است. مثلاً:

(یشت ۱۰ / بند ۵۳، به نقل از دستور تاریخی محسن ابوالقاسمی، ص ۲۵۱)

*mazdāi ahurāi zaite us tan azastō bā ḍa*

*yō yazamade miθrom*

مهر را می‌ستایم که پیوسته با دست‌های گشاده گله می‌کند به اهورامزدا.

- «خداوند را که به حرب خواند نباید که پای بازکشد. تاریخ بلعمی / ص ۱۹۹
- «از آن جا باز دارید و به حق و سزا صرف کنید.» تاریخ بلعمی / ص ۱۶۱
- «صلح کرد و بتان را باز استد.» تاریخ بلعمی / ص ۶۸
- «و این اندر کتاب پسر جریر نیافتیم و باز نمودیم.» تاریخ بلعمی / ص ۲۲
- «چون سخن او شنیدم او را باز شناختم.» اسرارالتوحید، ص ۷۶
- «متاع نیشابور بخریدم و باز آمدم.» اسرارالتوحید، ص ۷۶

- «حاجت من آن است که به هنگام مراجعت گذر بر این جا کنی تا ترا باز بینم.»  
سفرنامه / ص ۸
  - «عوام می گفتند این آب به تابستان مدام می آید و چون زمستان شود باز ایستد و یخ بندد.»  
سفرنامه / ص ۱۶۵
  - «خود را از آن جا طلب که نهاده باشی تا بازیابی.»  
قابوسنامه / ص ۲۹
  - «واریحیت همت در بعضی باز می یافتند.»  
مرصاد العباد / ص ۱۱۹
- این پیشوند در معنی قیدی «دوباره» نیز به کار می رود در این صورت پس از «باز» باید درنگ کرد.
- و از این صدرنشین دلگیری یعنی اندوه حکایت شکوه آمیز فرو خوانم؛ باز گفته ام که...  
نفته المصدر / ص ۳
- امروزه نیز این پیشوند پرکاربرد است. و فعل های بازپرداختن، بازداشتن، بازگشتن، بازخوردن، باز آمدن و... از آن ساخته شده است.
- باز به صورت «وا» نیز در متون دوره قدیم به کار رفته است و این تلفظ نشان تأثیر لهجه و گویش در متن است:
- «اگر وا ایستید از کفر پس آن است بهتر شما را»  
تفسیر طبری / ص ۵۷۹
  - «اگر واگردید، واگردیم و هرگز هیچ سود نکند شما را.»  
تفسیر طبری / ص ۵۷۹
  - «تمام وادهند با شما ثواب و مزد آن در بهشت.»  
تفسیر طبری / ص ۵۸۹
  - و عارف در چنان حال از چنبره ی زمان وا می رهد  
از کوچه زندان / ص ۹۷
  - و من مر شما را از ناصحان وا می نمایم  
تفسیر لفظی / ص ۳۰۳
- از پیشوند «باز» و «وا» فعل های زیر ساخته شده اند:
- باز راندن، بازگشتن، بازیافتن، بازپرداختن، بازشناختن، بازگفتن، بازرسیدن، بازداشتن، بازخواندن، باز آمدن، باز نهادن، باز سپردن، باز رفتن، باز ایستادن، باز استدن، باز دادن، باز نمودن، وار هیدن، وادادن، واداشتن، وارفتن، و اخوردن، واسوختن، واگشتن، وا ایستادن و ...



بر: پیشوند «بر» و صورت کهن آن «ابر» از دیگر پیشوندهای رایج و پرکاربرد زبان فارسی است که صورت تهی آن نیز به عنوان حرف اضافه کاربرد بسیار دارد. این پیشوند مفهوم میل از پایین به بالا را به فعل می‌افزاید و بیشتر جهت نماست. معنای جدید نیز در پیوستن به فعل ساده ایجاد می‌کند. امروزه مشتقات اسمی و وصفی بسیاری از آن ساخته شده است و در فعل‌های برداشتن، برخوردن، برانداختن، برچیدن، برآمدن، برگشتن، برافتادن، برخاستن و برآوردن تقریباً معنای جدید ایجاد کرده است.

گاه در فعل‌هایی چون: برگزیدن، برافراشتن، برآوردن، برآشفتن، برانگیختن، برخوردن، برگماشتن، برشمردن و بر بستن معنای فعل ساده را تقویت و موکد

کرده است. این پیشوند در زبان گفتار امروزی به صورت «ور» تلفظ می‌شود

- «هر روز حاجب علی برنشستی و به صحرا آمدی.» بیهقی / ص ۴
- «پس صندوقها برگشادند و خلعت‌ها برآوردند.» بیهقی / ص ۴۷
- «ملاعین حصار غور بر جوشیدند» بیهقی / ص ۱۱۶
- «اسامی شما را یک به یک برشمارم.» مرصاد / ص ۷۴
- «و گرد نهاد آدم برآمد.» مرصاد / ص ۷۵
- «و گاه بود که از سر جان بر باید خاست.» مرصاد / ص ۲۶۰
- «دود هجران به سرش برآمد.» مرصاد / ص ۸۹
- «گفت بگذار تا ترا مغمزه بکنم و حکایتی است برگویم.» اسرارالتوحید / ص ۷۲
- «پدرم ما را بر گرفت، ما دست بر یازیدیم و ....» اسرارالتوحید / ص ۱۷
- «تا دوری از آفتاب شش درجه شود. آن گه سوختگی از وی برخیزد.» التفهیم / ص ۴۶۱

از این پیشوند، فعل‌های زیرساخته شده است:

برآمدن، برخاستن، برخیزیدن، برداشتن، برآوردن، برانداختن، برگشتن، برنشستن، برگرفتن، برگزیدن، بر بستن، برکشیدن، برشمردن، برگزشتن، بریازیدن، برگفتن، برخواندن، بر رفتن، بر شدن، بر نشاندن، برگماشتن، براندودن و ...

**فراز:** به معنی رو به پیش. از جزء «فرا» در ایران باستان و پسوند «*ac*» (اچ) میانه ترکیب شده است. هم کاربرد قیدی و وصفی دارد و هم پیشوند فعل است. در پهلوی اشکانی به صورت *frāz* (فراژ) به فعل، پیوسته و معنای آن را تغییر داده است.

بیاتو ای دل و فراز چم. *āsāh tu gyān ud frāc cāmāh*

دستور تاریخی / ص ۱۹۳

در زبان فارسی دری کاربرد بسیار داشته و از پیشوندهای زنده فارسی دری بوده است.

- «سه روز کار می ساختند و مردم فراز می آوردند.» تاریخ بیهقی / ص ۴۱
- «چون در خواب شدم همان مرد فراز آمد.» اسرار التوحید / ص ۱۴۵
- «من چشم فراز کردم و شیر برفت.» اسرار التوحید / ص ۷۵
- «امیرتان را بگویند تا ایدر فراز آید.» تاریخ بلعمی / ص ۱۹۲

این پیشوند در انتقال از دوره تکوین به درسی، از رواج می افتد و بسامد آن به طور قابل توجهی کاهش می یابد. از این پیشوند، فعل های: فراز آمدن، فراز شدن، فراز کردن، فراز چیدن، فراز رفتن و ... ساخته شده است.

**فرا:** همان فراز است بدون *ac* و بیشتر بر سر فعل هایی که واک نخستین آن ها صامت است، درمی آید. این صورت قدیمتر از صورت فراز است. در نوشته های ایرانی باستان چون اوستا و فارسی باستان کاربرد بسیار داشته و به اسم و فعل می پیوسته است. صورت اوستایی آن *fra* و صورت هندی باستان آن *pra* (=

به پیش ( است. در اوستا (*fra asaiti*) یعنی «بیرون می آید» یا (*fra asan*) یعنی نزدیک خواهد شد. (زبان اوستایی، ص ۱۱۱)

این پیشوند هم مفهوم جهت و سمت و هم مفهوم جدید و تازه‌ای به فعل ساده، در پیوست به آن می‌بخشد. این پیشوند در دوره تکوین، درسی و معاصر کاربرد داشته و دارد. در دوره معاصر بیشتر در مشتقات اسمی و وصفی از فعل پیشوندی به چشم می‌خورد، مثل: فراورده، فراوری، فرافکنی، فراوی، فراویبی، فرادستی، فرادست، فراگرفتن، فرارسیدن و ...

- «اندروقت گروهی از فرزندان اسحاق (ع) فرا رسیدند.» تاریخ سیستان / ۴۸
- «اگر او را قضای مرگ فرا رسد تخت ملک ما را باشد.» تاریخ بیهقی / ۲۱۶۷
- «فرا صومعه آمد.» تاریخ بلعمی / ۱۹۲
- «خود را فرا گرفته در میان حجره فرا می‌شود.» اسرارالتوحید / ۸۴
- «تا سپاه فرا رسید.» تاریخ بلعمی / ۱۹۲

با این پیشوند فعل‌های: فرا رسیدن، فرا آمدن، فرا گرفتن، فرآوردن، فرارفتن، فراداشتن، فراسپردن، فرا افکندن و ... ساخته شده است.

**فرود:** مفهوم حرکت از بالا به پایین را دارد. در زبان پهلوی و فارسی دری به صورت حرف اضافه و قید و پیشوند فعل به کار رفته است. از بسامد در خوری در زبان فارسی برخوردار است. این پیشوند معنای تازه‌ای در پیوست به فعل ساده ایجاد نمی‌کند و عمدتاً مفهوم قید جهت و حرکت دارد.

- «بازگرد و فرود آی تا بیاسایی.» بیهقی / ص ۵۸
- «از راه به یک سو شدیم و شیخ فرود آمد.» اسرارالتوحید / ص ۱۵۳
- «پرویز فرود آمد.» تاریخ بلعمی / ص ۱۹۹
- «از تخت فرود آمد و در خاک نشست» کلیله و دمنه / ص ۳۱
- «هر روز بیست تا نان بر طبقی نهادی بر روی آب فرود آمدی.» قابوسنامه / ص ۳۱

- «کاروانی را دیدم آن جا فرود آمده [بود].» اسرارالتوحید / ص ۷۶
  - «و شیخ را به جای خوش فرود آورد.» اسرارالتوحید / ص ۲۴۴
  - «پس ملک برخاستی و از تخت فرود آمدی.» سیاست نامه / ص ۳۰
- فرود، گاهی، در مفهوم اسمی نیز به کار می‌رود و از آن صفت تفضیلی نیز می‌سازند:

«منافقان در درکه فرورتر بوند از دوزخ سوزان.» تفسیر نسفی / ص ۱۹۴

فرو: در معنی پایین و در پایین، صورت مخفف «فرود» است و غالباً به فعل‌هایی که واک نخستین آن‌ها صامت است، می‌پیوندد و در ریشه و مفهوم، با فرود یکی است. این پیشوند هم در معنی قید و هم به عنوان پیشوند، معنای تازه‌ای به فعل ساده می‌بخشد و در تقویت و تأکید معنای فعل نیز مؤثر است، و یکی از پرکاربردترین پیشوندهای زبان فارسی در دوره‌های مختلف است. بسامد کاربرد این پیشوند از فراز، فرا و فرود بیشتر است و تقریباً در تمامی متون فارسی به کار رفته است. این صورت از نظر تاریخی جدیدتر از فرود است.

- «به هیچ حال این دیار فرو نگذاریم.» بیهقی / ص ۱۶
- «و کاریزی به میان قلعه فرو برده.» سفرنامه / ص ۷
- «و بیشتر دیوارشمالی مسجدی است سرداب که به درجه‌های بسیار فرو باید شدن.» سفرنامه / ص ۴۲
- «و خانقاه بر سر ایشان فرو گذارید.» اسرارالتوحید / ص ۲۳۶
- «و همچنان آنک بادی فرو شود، درجه فرو شدنش خوانند.» التفهیم / ص ۲۰۴
- «به همان نردبان که فرو آمدی.» مرصاد العباد / ص ۱۶۸
- «یک ذره از کار فرو نایستد.» مرصاد العباد / ص ۲۶۵
- «و به هیچ ابتلا و امتحان از قدم طلب فرونشیند.» مرصادالعباد / ص ۲۶۵
- «پندارد صفا و بینایی حقیقی است از طلب فروماند» مرصادالعباد / ص ۳۷۲
- «و هر که که خود را در مقام حاجت فروگذارد.» کلیله و دمنه / ص ۱۳۶

- «این قله بسی پاکان را به آب فرو داده است.» نفثه المصدور / ص ۱۰۷
- «البته آن جا که طور در برخورد با همچو تجلی از هم فرو می‌باشد.» از کوچه رندان / ص ۹۸

با این پیشوند، فعل‌های زیر ساخته شده است:

فرو دادن، فروگذاران، فروپاشیدن، فروفرستادن، فرونشستن، فروماندن،  
فروداشتن، فرورفتن، فروانداختن، فروگذاشتن، فروبردن، فروگرفتن، فروشدن و ...

## نتیجه

نتیجه این پژوهش آن است که پیشوند در ساختمان گروه فعلی، یا مفهوم جهت و سمت حرکت فعل را دارد یا موجب تأکید فعل می‌شود و معنی آن را تقویت می‌کند و یا این که در همراهی با فعل معنا و مفهومی تازه به آن می‌بخشد. در تحول زبان فارسی دری، از دوره تکوین (سده های ۴-۷ هجری) به دوره درسی (سده های ۷-۱۳ هجری)، از شمار و کاربرد فعل‌های پیشوندی کاسته می‌شود و در عوض بر شمار فعل‌های مرکب (فعل‌هایی که عنصر غیر فعلی آن‌ها اسم یا صفت است) افزوده می‌شود. در تطور فعل‌های پیشوندی، آن‌ها پیشوند‌هایی که مفهوم جهت و سمت حرکت فعل را نشان می‌دادند، تبدیل به یک گروه اسمی مستقل شدند که در جمله جایگاه یا نقش نحوی قید را تشکیل می‌دادند. همچنین پیشوند‌هایی که به فعل تأکید می‌بخشیدند و معنای فعل را تقویت می‌کردند، غالباً به یک گروه اسمی مستقل که نقش نحوی قید تأکید را در جمله ایفا می‌کردند، تبدیل شدند و پیشوند‌هایی که مفهومی تازه به فعل می‌دادند، عمدتاً جای خود را به اسم یا صفت در ساختمان گروه فعلی بخشیدند. این تطور - که تغییر سبک نویسندگی و شاعری نیز در ایجاد آن نقش قابل توجه داشت - سهمی در ایجاد مختصه سبکی " طولانی شدن جمله ها" در آثار قرن هفتم به بعد داشت.

## منابع و مأخذ

۱. ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۷۴). تاریخ زبان فارسی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت.
۲. ———. (۱۳۷۵). دستور تاریخی زبان فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۳. ارژنگ، غلامرضا و صادقی، علی اشرف. (۱۳۶۱). دستور. چاپ وزارت آموزش و پرورش. تهران.
۴. باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵. بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد. (۱۳۶۸). تاریخ بلعمی. برگزیده رضا انزابی نژاد. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶. بهار، محمد تقی. (۱۳۱۴). تاریخ سیستان. تهران.
۷. بیرونی، ابوریحان. (۱۳۶۷). التفهیم لائیل صناعه التنجیم، به تصحیح علامه همایی، چاپ چهارم، تهران: نشر هما.
۸. بیهقی، ابوالفضل. (۱۳۷۶). تاریخ بیهقی. به تصحیح و توضیح خلیل خطیب رهبر. چاپ ششم. تهران: نشر مهتاب.
۹. خانلری، پرویز. (۱۳۴۸). تاریخ زبان فارسی. چاپ اول. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۱۰. خرندزی زیدری نسوی، شهاب الدین محمد. (۱۳۷۰). نفثة المصدور. تصحیح حسن یزدگردی. چاپ دوم. تهران: نشر ویراستار.
۱۱. رازی، نجم الدین. (۱۳۵۲). مرصاد العباد، تصحیح محمد امین ریاحی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. سوکولوف. س. ن. (۱۳۷۰). زبان اوستایی. ترجمه رقیه بهزادی. چاپ اول. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۳. اشعار، جعفر. (۱۳۷۳). گزیده سیاست نامه. چاپ دوم. تهران: نشر قطره.

۱۴. عطارنیشابوری، فریدالدین. (۱۳۵۵). *تذکرة الاولیا*. تصحیح محمد استعلامی. چاپ دوم. تهران: انتشارات زوار.
۱۵. قبادیانی، ناصر خسرو. (۱۳۶۳). *سفرنامه*. به کوشش محمد دبیر سیاقی. چاپ دوم. تهران: زوار.
۱۶. کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیا، عنصرالمعالی. (۱۳۷۵). *قابوسنامه*. تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. محمد بن منور. (۱۳۶۱). *اسرار التوحید، تصحیح ذبیح... صفا، چاپ پنجم، امیر کبیر*.
۱۸. منشی، نصر... (۱۳۷۱) *کليلة و دمنه*. تصحیح مجتبی مینوی. چاپ دهم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۱۹. نسفی، امام ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد. (۱۳۷۶). *تفسیر نسفی*. تصریح عزیزا... جوینی. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.